

## سیر تطور اندیشه مهدویت در سده اخیر حوزه علمیه قم<sup>۱</sup>

روح الله شاکری زواردهی<sup>۲</sup>

سید محمد حسینی وردنجانی<sup>۳</sup>

مصطفی اسلامی<sup>۴</sup>

### چکیده

حوزه علمیه قم در سده اخیر بالنده‌ترین رویکرد را طی زمان حیات خود داشته است. توجه به معارف اهل بیت با تکیه بر عقل و نقل، میراث گرانبهایی برای معارف دینی فراهم کرده است. اندیشه مهدویت، یکی از این آموزه‌ها است که در حوزه علمیه قم به رغم فراز و نشیب‌هایی که در این سده داشته است، نسبت به سده قبل با تطورات و تغییرات متعددی همراه بوده است. در این نوشتار، پنج تطور اندیشه مهدویت در سده اخیر بیان شده است: ۱. تطور روشی، ۲. تطور دامنه‌ای، ۳. تطور تبیینی که در این جا تنها بر دو آموزه انتظار و نیابت عامه تاکید می‌شود، ۴. تطور غایی، ۵. تطور ارائه‌ای. آنچه این تطورات پنج‌گانه را با هم مرتبط می‌کند، «تطور غایی» است. شواهد و قرائن حکایت از آن دارند که در سده اخیر در حوزه علمیه قم، اندیشه مهدویت از آموزه‌ای صرفاً اعتقادی، به اندیشه‌ای راهبردی تبدیل شده است که هدفش تنها دفاع از نوعی اعتقاد نیست، بلکه در پی آن است که در تمامی ابعاد زندگی فردی و اجتماعی خود را نشان دهد و جامعه در تمامی شئونش از این اندیشه تاثیر بپذیرد. در این نوشتار با تکیه بر آثار مکتوب در این سده، تلاش شده، مسیری که در این تطورات طی شده است، بیان شود.

**واژگان کلیدی:** مهدویت، تطور، انتظار، عقل، حوزه علمیه قم، انقلاب اسلامی ایران.

۱. این مقاله با حمایت دبیرخانه همایش یکصدمین سالگشت بازتاسیس حوزه علمیه قم و دستاوردها و نکوداشت آیت‌الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری رحمته‌الله‌علیه تالیف شده است.

۲. دانشیار گروه شیعه‌شناسی دانشکده‌گان فارابی، دانشگاه تهران، ایران (نویسنده مسئول) shaker.r@ut.ac.ir

۳. دانشجوی دکتری گروه کلام امامیه دانشکده‌گان فارابی، دانشگاه تهران، ایران vardanjani7200@gmail.com

۴. دانشجوی دکتری گروه کلام امامیه دانشکده‌گان فارابی، دانشگاه تهران، ایران eslami69.mz@gmail.com

## بیان مسئله

آموزه مهدویت، یکی از اساسی‌ترین آموزه‌های اعتقادی در حوزه امامت پژوهی است. این اندیشه در طول تاریخ با فراز و نشیب‌هایی همراه بوده است؛ از جریان‌هایی که با ادعای مهدویت به قدرت رسیدند تا شبهات و مباحثی که در صدد بوده‌اند، اصل اعتقاد به مهدویت را به چالش بکشند. با این حال، اندیشه مهدویت دارای پشتوانه محکمی از آیات و مخصوصاً روایات فریقین است که حیات آن را تاکنون تداوم بخشیده و آن را از گزند جریان‌های انحرافی مصون داشته است.

یکی از حیطه‌هایی که حوزه علمیه قم در آن ورود کرده و تاثیر شگرفی بر آن داشته، مباحث مربوط به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف یا همان مهدویت است.

## مفهوم شناسی

**مهدویت:** «مهدویت» اگر واژه‌ای در قاموس زبان عرب باشد، یا مصدر صناعی مهدی است (اسفندیاری، بی‌تا: ص ۷۰ و سلیمیان ریزی، بی‌تا: ص ۴۳۴) و یا اسم منسوب آن (مهدی‌پور، بی‌تا: ص ۵۹ و تاجری‌نسب، بی‌تا: ج ۱، ص ۲۰) و از آن‌جا که مصدر صناعی با آنچه از واژه مهدویت اراده می‌شود، تناسبی ندارد؛ مهدویت اسم منسوب است و چون الحاق «تا» به اسم منسوب تنها به لحاظ موصوف مونث است (غلابینی، ۱۴۱۴: ج ۱، ص ۱۷۸)؛ مهدویت قاعدتاً باید در اصل المباحث المهدویة و مانند آن باشد. بنابراین، منظور از اندیشه مهدویت آن دسته از آموزه‌ها است که حضرت مهدی نقش محوری در آن‌ها دارد (موسسه آینده روشن، بی‌تا: ص ۱۲ و ۱۳). اندیشه مهدویت در سده اخیر در حوزه علمیه قم، با تغییراتی همراه شده است که در این نوشتار، درباره این تغییرات صحبت می‌شود.

**تطور:** «تطور» مصدر باب تفاعل است، از ماده «طور». به گزارش ابن فارس این ماده به معنای امتداد در زمان و مکان است (ابن فارس، ۱۴۰۴: ج ۳، ص ۴۳۰). این‌که گفته می‌شود «لقیته طورا بعد طور» (ابن عباد، ۱۴۱۴: ج ۹، ص ۲۰۶)؛ با این معنای محوری تناسب دارد. تطوّر مطاوعه طوّر است. طورت الشیء، یعنی آن را از حالتی به حالت دیگر درآوردم (بستانی، ۱۳۷۵: ص ۲۳۶ و ۵۸۵). تطور الشیء، یعنی شیء از حالتی به حالت دیگر در آمد (احمد مختار عمر،



۱۴۲۹: ج ۲، ص ۱۴۲۰ و مجمع اللغة العربية بالقاهرة، بی تا: ج ۲، ص ۵۷۰). با توجه به معنای تطور، هر تغییری که بتوان گفت شیء از گونه‌ای به گونه دیگر در آمده است، در گستره واژه تطور داخل می‌شود و این واژه به تغییرات مثبت اختصاص ندارد. بنابراین، در این نوشتار تأکید بر تغییراتی است که در طول این صد سال در این اندیشه پدید آمده است، بی آن که مثبت یا منفی بودن این تطورات ارزیابی شود.

### گونه‌های تطور اندیشه مهدویت

تغییراتی که در هر اندیشه پدید می‌آید، از جنبه‌های مختلف قابل بررسی است (روشی، محتوایی و ارائه‌ای). در این نوشتار از پنج جهت به تغییراتی که در این سده در آموزه مهدویت رخ داده، توجه شده است. روشی، دامنه‌ای، تبیینی، غایی و ارائه‌ای. تطور دامنه‌ای، تبیینی و غایی ذیل تطور محتوایی گنجانده می‌شوند. لذا پنج عنوانی که در ذیل مطرح می‌شوند، در واقع به همان سه وجه اصلی باز می‌گردند. البته از آن جا که در این نوشتار هدف سیر تطور اندیشه مهدویت است، تمرکز بر تطور محتوایی است و تطور روشی و ارائه‌ای به دلیل این که با تطور محتوایی مرتبطند، بررسی می‌شوند.

پیش از ذکر این موارد، تذکر دو نکته لازم است:

۱. تفاوت بین تطور در اندیشه و تطور در مطالعات: در تطور اندیشه، سخن از ورود اندیشه به مرحله جدیدی است، نسبت به آنچه پیش از آن بوده است. ادعای ما در این نوشتار آن است که بحث و بررسی‌هایی که در سده اخیر در حوزه علمیه قم در مورد اندیشه مهدویت صورت گرفت، سبب شد که آنچه امروز از این اندیشه برداشت می‌شود، با آنچه در ابتدای این سده از آن برداشت می‌شده است، متفاوت شود. لذا مهم‌ترین بخش تطور، تطور محتوایی است که در ادامه بیان خواهد شد؛ اما تطور در مطالعات که در واقع به آثاری که حول مهدویت پدید آمده و به سیر تاریخی آن‌ها توجه دارد، از غرض این نوشتار خارج است. البته در این نوشتار، از تطور دامنه‌ای و تطور در ارائه به اجمال سخن به میان خواهد آمد که لاجرم به گزارش برخی آثار منتهی خواهد شد؛ ولی دلیل این امر چنان که بعداً بیان می‌گردد، تأکید مقاله پیش رو بر این نکته کلیدی است که از آموزه مهدویت در این سده از متون دینی تلقی خاصی صورت گرفته

است که به تطور در ساحت‌های دیگر انجامید.

۲. برای بررسی سیر تطور اندیشه مهدویت در سده اخیر، ممکن است ساختارهای متفاوتی به ذهن برسد که عمدتاً به دو مدل بازگشت می‌کند: یکی ساختارمندی نوشتار بر اساس زمان و دیگری ساختارمندی بر اساس تطورهای صورت گرفته.

مراد از مدل اول، آن است که سده اخیر حوزه علمیه قم، به چند بخش زمانی، تقسیم و تطورها در این بستر زمانی نشان داده شوند. برای همین بخش بندی نیز چندین ایده قابل طرح است: یک ایده بخش‌بندی بر اساس زعیم حوزه است که در این صورت می‌توان چهار بخش در نظر گرفت: دوران زعامت آیات عظام: حاج شیخ عبد‌الکریم حائری، آیت‌الله بروجردی، امام خمینی و آیت‌الله خامنه‌ای که همچنان ادامه دارد. ایده دیگر، با توجه به مرکزی بودن انقلاب سال ۱۳۵۷ در تحول‌های حوزه قم و رابطه وثیق اندیشه مهدویت و انقلاب اسلامی، می‌توان به دو بخش انقلاب و بعد انقلاب تقسیم کرد. ایده سوم ترکیب دو ایده پیشین است؛ یعنی علاوه بر دو دوره مرحوم حاج شیخ و آیت‌الله بروجردی، دوره مرحوم امام به قبل انقلاب و بعد انقلاب تقسیم و سپس از تطور مهدویت در دوره زعامت آیت‌الله خامنه‌ای صحبت شود. اگر کمی دقیق‌تر شویم و به شکل‌گیری انجمن حجتیه و نفوذ آن به حوزه قم و سپس انحلال آن در این سده توجه کنیم؛ شاید بخش بندی جزئی‌تری برای بررسی تطورها در بستر زمانی لازم باشد.

مدل دیگر بررسی جداگانه تطورها است. در این شیوه، تطورهای صورت گرفته در آموزه مهدویت، هر یک جداگانه بررسی می‌شود و اگر احیاناً عنصر زمان و بستر زمانی در آن تطور مداخلیت داشته باشد، ذیل آن گزارش می‌شود.

در این نوشتار، مدل دوم دنبال شده است؛ زیرا طبق مدل اول، اگر به کلی گویی و گزارش برخی آثار هر دوره بسنده شود، نتیجه علمی و ملموسی نخواهد داشت و اگر هر تطوری در هر دوره با شواهد بررسی گردد، مطالب بیش از گنجایش یک مقاله است. از سوی دیگر، همان‌طور که در ادامه خواهد آمد، عنصر زمان در برخی از تطورها دخالت چندانی ندارد؛ مثلاً دوره حاج شیخ و دوره آیت‌الله بروجردی از این لحاظ که این دو عالم زعیم حوزه قم بودند، تفاوت جدی در اندیشه مهدویت و تطور آن نداشت و یا مثلاً برخی تطورها محتوایی، مثل معنای انتظار



قبل از انقلاب شکل گرفته و همچنان همان معنا مورد توجه است. بر همین اساس، در این نوشتار تلاش بر نشان دادن رهاورد حوزه قم در اندیشه مهدویت بود و در این میان، اگر درباره تطوری، عنصر زمان مدخلیت داشته باشد، مثل تطور ارائه‌ای ذیل همان تطور از عنصر زمان نیز بحث خواهد شد. با توجه به آنچه گفته شد، تطورهای صورت گرفته در این سده در اندیشه مهدویت ذکر می‌شود.

### ۱. تطور روشی؛<sup>۱</sup> برجسته شدن روش عقلی در پرداختن به اندیشه مهدویت

اندیشه مهدویت از آن جا که بر اثبات وجود حضرت مهدی و امامت ایشان استوار است، در مباحث امامت خاصه داخل می‌شود (صافی، بی‌تا: ص ۸۳). امامت خاصه عهده‌دار اثبات امامت هر کدام از امامان دوازده‌گانه است در قبال امامت عامه که صرفاً اصل ضرورت امامت، امتناع خلو از امام و اوصاف امام را به صورت کلان بحث می‌کند (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۱: ص ۲۷۱). متکلمان امامیه مباحث امامت عامه را با روش عقلی نقلی ارائه کرده‌اند؛ ولی در مباحث امامت خاصه بر روش نقلی تکیه دارند. برخی از متکلمان اثبات امامت خاصه را صرفاً از طریق نص می‌دانند (جمعی از نویسندگان، بی‌تا: ج ۱۶، ص ۱۰۶). برخی نیز معجزه و افضلیت را به آن اضافه کرده‌اند (حمصی رازی، بی‌تا: ج ۲، ص ۲۹۸ و مفید، بی‌تا: ص ۴۰). اگرچه دلالت معجزه و افضلیت بر امامت، امری عقلی است؛ اثبات این که فلان امام این معجزه را انجام داد یا دارای اوصاف خاص بود، بر گزارش‌های معتبر مبتنی خواهد بود.

متکلمان امامیه در اثبات وجود و امامت حضرت مهدی، از همین الگو پیروی می‌کردند. به عنوان نمونه، خواجه نصیر طوسی در «تجرید الاعتقاد» پس از اثبات امامت علی بن ابی طالب علیه السلام، امامت سایر امامان را از طریق خبر متواتر و این که تنها آنان در زمان خود معصوم بوده‌اند، اثبات کرده است (طوسی، بی‌تا: ص ۲۹۳). محقق لاهیجی نیز امامت امام زمان را از طریق نص و اجماع شیعه اثبات و وجود امام زمان را نیز به واسطه گزارش‌های کسانی که او را بعد از تولد مشاهده کرده‌اند، اثبات کرده است (لاهیجی، ۱۳۸۳: ص ۵۸۲ \_ ۵۸۷). با این حال،

۱. منظور از «تطور روشی»، تغییر روش بحث از آموزه مهدویت از روش عمدتاً نقلی به روش عقلی نقلی است.

در آثاری که در سده اخیر در حوزه علمیه قم، نوشته شده‌اند، تلاش شده است از طریق عقل نیز برای اثبات حضرت مهدی استفاده شود. البته واضح است که براهین عقلیه نمی‌توانند، امر جزئی را ثابت کنند؛ چون «الجزئی لا یکون کاسبا و لا مکتسباً» (تفتازانی، ۱۴۱۲: ص ۱۶ و ۱۷)؛ ولی نقش ویژه آموزه مهدویت، امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را مصداق برخی عناوین کلی می‌کند که از طریق عقل دستیابی به آن‌ها ممکن است. به عنوان نمونه، علامه طباطبایی، از نخستین اندیشمندان حوزه علمیه قم در این سده است که در کتاب «شیعه شناسی» برای ضرورت منجی دلیل عقلی اقامه کرده و از آن‌جا که بر پایه روایات، بارزترین نقش حضرت مهدی همین منجی بودن است؛ حضرت مهدی را اثبات کرده است (طباطبایی، ۱۳۷۸: ص ۲۳۲ و ۲۳۳). تلاش برای اثبات مهدویت از روش عقلی در این سده، به تالیف کتاب و مقالات متعددی در حوزه علمیه قم انجامیده است. کتاب «دلایل عقلی و نقلی امامت و مهدویت»، نوشته رحیم لطفی، کتاب «مهدویت و آینده جهان: مبانی اعتقادی موعودگرایی در ادیان»، نوشته روح الله شاکری زواردهی و مقالاتی نظیر «تحلیل روش شناسی عقلی مهدویت پژوهی»، نوشته حسین الهی نژاد؛ «رویکرد عقلی ائمه به امامت و مهدویت»، «قواعد عقلی و روایات مهدویت»، «رویکرد عقلی به امامت و مهدویت»؛ هر سه نوشته سیدمحمد علی داعی نژاد و «ادله عقلی ضرورت حجت الاهی و مسئله مهدویت»، نمونه‌های اندکی از تاکید جدی بر روش عقلی در مباحث مهدویت در سده اخیر است.<sup>۱</sup>

به هر حال، رویکرد عقلی به مباحث مهدویت، به اثبات وجود و امامت حضرت مهدی محدود نیست و در سایر مباحث آموزه مهدویت نیز خود را نشان می‌دهد. برخی از پژوهشگران حوزه علمیه قم، رویکرد عقلی در مهدویت پژوهی را در هفت حوزه عنوان کرده‌اند: ۱. ضرورت حجّت در همه زمان‌ها؛ ۲. بایستگی و ضرورت مهدویت در عالم هستی؛ ۳. غایت و فلسفه

۱. شایان توجه است، مباحثی که خصوص مهدویت را از طریق برهان عقلی اثبات می‌کنند، از آن‌جاکه شخص حضرت مهدی را اثبات نمی‌کنند، مناسب است ذیل «مهدویت عامه» گنجانده شوند؛ در قبال مباحثی که با شخص حضرت مرتبط هستند که می‌توان از آن‌ها به «مهدویت خاصه» تعبیر کرد. البته باید توجه داشت که مباحث مهدویت عامه از مباحث امامت عامه تفکیک شود. در این نوشتار به این نکته تاکید می‌شود.



وجودی مهدویت در جهان هستی؛ ۴. علت و فاعل وجودی مهدویت در جهان هستی؛ ۵. علت غایی و هدف مهدویت در جهان هستی؛ ۶. فواید و کارکرد مهدویت در نظام خلقت؛ ۷. دلایل و توجیحات اصل مهدویت.

به نظر ایشان، عناوین مذکور از جمله مسائلی هستند که با اسلوب و مقدمات عقلی قابل توجیه‌اند؛ زیرا شاخصه‌های قواعد عقلی، نظیر «کلیت و فراگیری»، «دوام و خدشه ناپذیری»، «ضرورت و قطعیت» که شاخصه‌های مقدمات قیاس و روش‌های عقلی هستند؛ به نحوی در آن‌ها وجود دارند (الهی‌نژاد، ۱۳۹۷). جدا از این‌که موارد مذکور چه اندازه مستقیماً به اندیشه مهدویت مربوط می‌شوند؛ روش عقلی در مباحث مهدویت در سده اخیر حوزه علمیه قم، به موارد مذکور محدود نیست. بسیاری از تطورهایی که در ادامه نوشتار می‌آیند، از همین نگرش عقلی به مباحث مهدویت متأثرند. تطور در تبیین مفاهیمی چون انتظار، نیابت عامه، آینده پژوهی، موعودگرایی و تحلیل مباحثی نظیر رابطه ظهور و پرشدن عالم از ظلم، رابطه ظهور و علامات ظهور، وظایف شیعیان در زمان غیبت، همگی در این سده با تکیه بر دخالت دادن عقل در آموزه مهدویت است.

اما این‌که چرا رویکرد عقلی در مباحث مهدویت، در این سده مورد توجه بوده است، دارای دو دلیل اساسی است که یکی به رویکرد حوزه علمیه قم باز می‌گردد و دیگری به وضعیت عصر حاضر.

دلیل اول، رویکرد عقل‌گرای حوزه علمیه به معارف دینی است. شکوفا شدن حوزه علمیه قم در قرن حاضر با آیت الله حائری به عنوان یک فقیه اصولی بود؛ یعنی با این نگرش که عقل یکی از حجت‌های الهی است و قطع حاصل از براهین عقلیه، همچون قطع حاصل از کتاب و سنت حجت است (حائری، بی‌تا: ج ۲، ص ۵ و ۶) و سپس این منهج با آیت الله بروجردی تداوم یافت. ملاحظه کتاب‌های اصولی و فقهی آیت الله بروجردی از اعتنای گسترده به روش عقلی حکایت دارد؛ به عنوان مثال ملاحظه شود بحث حجیت قطع در کتاب نه‌ایة الاصول (بروجردی، بی‌تا: ص ۳۹۳ - ۴۰۳). این‌که آیت الله بروجردی و آیت الله حائری هر دو از شاگردان مدرسه آخوند خراسانی بودند که به عنوان چهره‌ای عقل‌گرا و حتی فلسفه‌آموخته شناخته می‌شد؛ شاهد دیگری برای جایگاه روش عقلی در حوزه علمیه قم به حساب می‌آید.

البته در زمان آیت الله بروجردی به میراث پیشینیان و همچنین روایات توجه ویژه‌ای شد که کتاب «جامع احادیث الشیعه» نتیجه همین رویکرد است. همچنین در این زمان به تقریب مذاهب توجه ویژه‌ای صورت گرفت. تبادل نظری که میان آیت الله بروجردی و شیخ شلتوت رئیس دانشگاه الازهر صورت گرفته، دلیل روشنی بر این ادعا است. با همه این‌ها، نفوذ و بسط دانش فلسفه و کلام عقلی در حوزه قم، رویه پیشین حوزه علمیه قم در توجه به روش عقلی را به اوج رساند و رویکرد عقلی، رویکرد عام در فضای حوزه علمیه گشت و بسیاری از آثاری که پس از آن در حوزه انتشار یافت، به وضوح از همین رویکرد متأثر است (آل بویه، ۱۴۰۱: ص ۶۹-۷۶).

دلیل دوم نیز به مولفه‌های عصر حاضر برمی‌گردد. اندیشه مهدویت از آن‌جا که با آینده پژوهی و همچنین موعودگرایی در ادیان ارتباط دارد، محل بحث و گفت و گو میان ادیان، مذاهب و حتی نحله‌های غیر مذهبی قرار گرفته و از آن‌جا که زبان مشترک و فرا مذهبی، زبان عقل است (سند، بی تا: ج ۲، ص ۲۷۷ و ۲۸۲)؛ رویکرد عقلی در مباحث مهدویت در این سده افزایش یافته است. اگر این نکته به رویکرد تبلیغی حوزه علمیه قم ضمیمه شود، رویکرد عقلی حوزه علمیه به مباحث مهدویت نه تنها متوقع، بلکه ضروری می‌نماید.

گفتنی است مراد این نیست، که پیش از سده اخیر در حوزه علمیه قم، از روش عقلی در مباحث مهدویت بهره گرفته نمی‌شد. تتبع در آثار مربوط به مهدویت نشان می‌دهد در آثار نخستین مثل «الغیبة» شیخ طوسی تا «کشف المراد» علامه حلی و کتاب «المهدی» سید صدر الدین صدر، از روش عقلی استفاده شده است؛ ولی رویکرد محوری، نقلی است. همچنین دو منشأ که برای توجه به رویکرد عقلی گفته شد، پیش از سده مذکور تا حدودی وجود داشت. به نظر برخی محققان، در بررسی تاریخچه مطالعات مهدوی، هر چه به قرن چهاردهم نزدیک‌تر می‌شویم، با توجه به رشد فرقه‌های انحرافی و مناظرات بین الادیانی، زمینه برای توجه به روش عقلی در مباحث مهدویت بیش‌تر فراهم شده است (گودرزی، ۱۳۹۶: ص ۳۵۵). با این همه، رشد و توجه بیش از پیش به روش عقلی را نمی‌توان در آثار این سده حوزه قم نادیده گرفت.





## ۲. تطور محتوایی دامنه‌ای<sup>۱</sup>

همان‌طور که پیش‌تر گفته شد، اگر مباحث مهدویت را به مثابه شاخه‌ای از علم تلقی کنیم، موضوع این مباحث شخص حضرت مهدی است. بر این اساس، نمی‌توان به صورت جعلی و صوری مباحث مهدویت را گسترش داد؛ زیرا هر بحثی که حقیقتاً به حضرت مهدی مربوط باشد، جزء مباحث مهدویت قرار می‌گیرد و هر آنچه به آن حضرت مربوط نباشد، اساساً نباید ذیل مباحث مهدویت از آن صحبت کرد. بنابراین، ادعای تطور دامنه‌ای در سده اخیر، اگر به این معنا باشد که دامنه مباحث مهدویت در سده اخیر در حوزه علمیه قم گسترش پیدا کرده است، با ابهام و تردید خواهد بود؛ چون چندان طبیعی به نظر نمی‌رسد که آموزه‌ای اعتقادی حدود هزار و صد سال، دامنه مشخصی داشته باشد و سپس در صد سال دامنه آن تطور پیدا کند؛ هر چند این پدیده ممکن است در آموزه‌های تجربی و طبیعی و حتی فلسفی اتفاق بیفتد؛ کما این‌که بعد از رنسانس این تطور در علوم تجربی به وضوح مشاهده می‌شود.

با این حال، شواهد و قرائین، بر تطور دامنه‌ای در مباحث مهدویت صحه می‌گذارد. در ابتدای این سده و حتی تا میانه‌های آن، برخی آثار که درباره مهدویت نگاشته شده‌اند، همان مباحث پیش از این سده را دنبال می‌کردند. کتاب «المهدی»، اثر سید صدرالدین صدر، کتاب «دادگستر جهان»، اثر ابراهیم امینی و همچنین کتاب «الامام المهدی من المهد الی الظهور» بیانگر این واقعیتند. کتاب *نه جلدی «العبقری الحسان»* همین فضا را تداعی می‌کند؛ با این حال، از میانه سده حاضر، برخی نوشته‌ها در حوزه علمیه قم نشان می‌دهند، آموزه مهدویت در حوزه‌های فرهنگی، سیاسی و اجتماعی بررسی شده‌اند. به عنوان نمونه در جلد ۲۴ مجموعه آثار استاد مرتضی مطهری پیوند مباحث مهدویت با مباحث سیاسی و اجتماعی به چشم می‌خورد (مطهری، ۱۳۷۶: ج ۲۴، ص ۴۰۵ تا ۴۴۳). محمد محمدی اشتهاردی نیز در کتاب «حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف فروغ تابان ولایت»، به بخشی از ابعاد تاثیر اندیشه مهدویت در حوزه اجتماعی اشاره کرده است (محمدی اشتهاردی، بی‌تا: ص ۱۲۵ تا ۱۵۷). موسوی گیلانی در کتاب «دکترین مهدویت»، این توسعه دامنه‌ای را به خوبی تشریح کرده است (موسوی گیلانی، بی‌تا).

۱. منظور از «تطور دامنه‌ای»، تغییر دامنه و ابعاد آموزه مهدویت است.

شفیعی سروستانی در کتاب «استراتژی انتظار»، به ابعاد فرهنگی و تمدن ساز آموزه مهدویت پرداخته است (شفیعی سروستانی، بی تا). با این همه، اوج این تطور را می توان در دو دهه اخیر این سده مشاهده کرد. در ذیل به برخی از مقالاتی که در این دو دهه نوشته شده است، اشاره می شود که بیانگر وسعت بخشی به دامنه مباحث مهدویت است. دلیل تکیه بر مقالات، مسئله محور بودن مقالات است که این مزیت در عناوین کتاب ها به چشم نمی خورد.

## ۱-۲. تطور دامنه ای در حوزه سیاسی

نظیر «امامت و مهدویت؛ اندیشه مهدویت و دموکراسی» (مصباح، ۱۳۸۵؛ شماره ۱۹): «بررسی تطبیقی مفاهیم حقوقی و سیاسی در اندیشه معاصر و مهدویت (حق و تکلیف، عدالت و امنیت، قدرت، مشروعیت آزادی، برابری و...)» (فاطمه روشن بخش یزدی، دکترین مهدویت، ۱۳۸۷؛ دوره ۴): «مهدویت و زندگی سیاسی معاصر اسلامی» (غلامرضا بهروز لک، انتظار موعود، ۱۳۸۲؛ شماره ۱۰): «کاربست آموزه مهدویت در سپهر سیاسی انقلاب اسلامی ایران» (مشرق موعود، ۱۳۹۷؛ شماره ۱/۴۶): «دکترین مهدویت و حکومت جهانی مهدوی» (انتظار موعود، ۱۳۸۴؛ شماره ۱۶): «اندیشه مهدویت و تمدن نوین اسلامی» (انتظار موعود، ۱۳۹۴؛ شماره ۴۲) و «آموزه مهدویت و لیبرال دموکراسی» (بهرام اخوان کاظمی، دکترین مهدویت، ۱۳۸۵؛ دوره ۲).

## ۲-۲. تطور دامنه ای در حوزه اجتماعی

مانند «تحلیل مبانی فرهنگ اجتماعی دفاعی امنیتی در عصر غیبت در پرتو اندیشه مهدویت» (حسین الهی نژاد، اسلام و مطالعات اجتماعی، ۱۳۹۹؛ شماره ۲۸): «جهانی شدن و دکترین مهدویت» (محمد قاسم عرفانی، دکترین مهدویت، ۱۳۸۶؛ دوره سوم): «درآمدی بر نقش جامعه شناسی هنر در اشاعه فرهنگ مهدویت و ارائه راهکارهای لازم آن» (محمد حسن شربتیان، دکترین مهدویت، ۱۳۹۱؛ دوره ۸): «نقش مهدویت در تحکیم نظام اجتماعی عصر غیبت» (محمود ملکی راد، ۱۳۹۷؛ حکومت اسلامی، شماره ۸۷): «کارکرد مهدویت در اصلاح و تغییر رفتارهای فردی و اجتماعی» (مشرق موعود، ۱۳۹۷؛ شماره ۲/۴۵): «جامعه شناسی: بسترها و پیامدهای اجتماعی خرافات در مهدویت» (مرتضی داود پور، مشرق موعود، ۱۳۸۶؛ شماره ۳): «تجلی امید در فرهنگ مهدویت» (محمد رضا حاتمی، مشرق موعود، ۱۳۸۵؛ همان،



شماره ۱) و «بررسی نظام کارکردهای آینده‌پژوهی در تبیین آموزه‌های مهدویت» (حمیدرضا کاشف، دکترین مهدویت، ۱۳۹۴: دوره ۱۱).

## ۲-۳. تطور دامنه‌ای در حوزه فرهنگی

مثل، «زن و مهدویت» (بهرروز لک، انتظار، ۱۳۸۶: سال هفتم، شماره ۲۰)؛ «طراحی الگوی تصویر پردازی مبتنی بر آیات و روایات از مهدویت» (احمد سیاح، مطالعات رسانه‌ای، ۱۳۹۹: شماره ۴۹)؛ «عوامل و زمینه‌های پیدایش جریان‌های انحرافی در حوزه مهدویت از منظر فرهنگی» (علی مؤیدی، مطالعات مهدوی، ۱۳۹۸: شماره ۴۳)؛ «نقش حوزه و دانشگاه در زمینه سازی فرهنگ مهدویت با رویکرد رسانه‌های پست مدرن» (میرمحمد سیدکلان، دکترین مهدویت، ۱۳۹۰: دوره ۷)؛ «رهیافت‌های عملیات روانی آخرالزمانی سینمای هالیوود با رویکرد مهدویت‌ستیزی» (احمد باصر، پاسداری فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۳۹۴: شماره ۱۲)؛ «راهبردهای فرهنگی مهدویت برای جامعه و دولت زمینه ساز، براساس مدل SWOT» (محسن پورسید آقایی، ۱۳۸۹: مشرق موعود، شماره ۱۵)؛ «چشم اندازی بر برخی از آسیب‌های تربیتی مهدویت» (انتظار موعود، ۱۳۸۳: شماره ۱۱ و ۱۲)؛ «رویکرد هنری به مهدویت» (سیدرضی موسوی گیلانی، ۱۳۸۵: عصر آدینه، شماره ۱) و «اثربخشی آموزش سبک زندگی مبتنی بر مهدویت در بهزیستی روان‌شناختی و معنوی دانش آموزان» (سیدمحمد سیدکلان، ۱۳۹۵: مشرق موعود، شماره ۴۰).

مقالات مذکور که تنها نمونه‌هایی از انبوه پژوهش‌هایی است که در این حوزه‌ها انجام شده است، به خوبی تطور دامنه‌ای را در بحث مهدویت در نیمه دوم سده اخیر نشان می‌دهد. با این حال، ابهامی که پیش‌تر به آن اشاره شد، کماکان به قوت خود باقی است. دو جواب برای آن قابل طرح است: یکی این که مطالعات مذکور را بین رشته‌ای بدانیم که در عصر جدید مرسوم شده است. طبق این نگرش، دامنه مباحث مربوط به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف تغییر خاصی نکرده است؛ ولی با توجه به این که علوم و دانش‌ها با یکدیگر بی‌ارتباط نیستند و در عصر جدید، بر این ارتباطها تمرکز می‌شود؛ ارتباط مهدویت با علوم سیاسی، اجتماعی و فرهنگی بررسی شده است. جواب دوم این است که در مباحث مهدویت، به لحاظ محتوایی



تطوری صورت گرفته که خود را در دامنه مباحث نشان داده است. این احتمال که در ادامه مقاله به آن پرداخته خواهد شد، بر این نکته تاکید می‌کند که در سده اخیر، برخی از گزاره‌ها در مورد حضرت مهدی، به گونه‌ای تبیین شده که پای مباحث دیگر را به حوزه مهدویت باز کرده است. به عنوان مثال، نگاهی که در این سده نسبت به آموزه انتظار و نیابت عامه پذیرش گسترده یافت، آموزه مهدویت را از آموزه‌ای اعتقادی صرف به عنوان آموزه‌ای اثرگذار در حوزه‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی تبدیل کرد.

گفتنی است، مهدویت، حتی به عنوان آموزه اعتقادی تا پیش از سده اخیر در حوزه علمیه قم عمدتاً در مباحث کلام قدیم متمرکز بود؛ ولی در سده اخیر، خصوصاً در سال‌های اخیر، مباحث کلام جدید نیز در اندیشه مهدویت راه یافته است که این را نیز می‌توان گونه‌ای از تطور دامنه‌ای در اندیشه مهدویت قلمداد کرد. صحبت درباره تفاوت کلام جدید و قدیم و تعریف دقیق آن مفصل است و در جای دیگری باید آن را دنبال کرد (محمد رضایی، ۱۳۹۰: ص ۲۷\_۳۲)؛ ولی بدون شک می‌توان گفت بر اثر پیشرفت‌های علوم تجربی، مسائل و شبهات جدیدی مطرح شده که در گذشته در کلام قدیم نبوده است که از این شبهات و مسائل، گاهی به «مسائل جدید کلامی» تعبیر می‌شود (همان). اندیشه مهدویت در سال‌های اخیر در بستر مسائل کلامی نیز سنجیده شده است که می‌توان به برخی نوشته‌ها در این زمینه اشاره کرد، از قبیل «مهدویت و کلام جدید» (ابوذر رجبی، پژوهش‌های مهدوی، ۱۳۹۰: شماره ۲)؛ «پلورالیسم دینی و عصر» ظهور (حسن پناهی آزاد، ۱۳۸۳: مشرق موعود، شماره ۸) و «درآمدی بر براهین عقلی و نقلی مهدویت با رویکرد کلام جدید»، نوشته مهدی حسن زاده، مهدویت و زبان دین (حسین الهی نژاد، ۱۳۸۶: انتظار موعود، شماره ۲۰).

### ۳. تطور محتوایی تبیینی<sup>۱</sup>

اندیشه مهدویت یکی از اصول اعتقادی شیعیان از زمان حضور امامان تا زمان غیبت بوده است. لذا نمی‌توان ادعا کرد که در میان شیعیان، در مورد این اندیشه، تغییر ماهوی صورت

۱. منظور از «تطور تبیینی»، تبیین‌های ارتقا یافته از برخی مولفه‌های اندیشه مهدویت است.



گرفته است. مولفه‌های اساسی اندیشه مهدویت، از دیرباز تا کنون ثابت بوده و عموم شیعیان با سلیق متفاوت در این مولفه‌ها اشتراک داشته‌اند. وجود امام زمان عجل الله تعالی فرجه الیه، امامت ایشان، غیبت صغرا و کبرا، وظیفه انتظار برای شیعیان در زمان غیبت و رجوع به راویان احادیث برای پی بردن به احکام وقایع پیش‌رو و وجود نشانه‌هایی برای ظهور و فراگیری عدل با ظهور حضرت مهدی؛ از جمله این مولفه‌ها هستند که همه شیعیان به آن‌ها باور دارند.

با این حال، آنچه در این قرون محل اختلاف بوده، تقریری است که اندیشمندان شیعی از این مولفه‌ها داشته‌اند؛ مثل این‌که غیبت حضرت مهدی، غیبت شخص است یا شخصیت؟ مراد از رجوع به راویان احادیث چیست؟ آیا این رجوع همه شئون و مسائل پیش‌رو را در بر می‌گیرد یا صرفاً در حیطه احکام شرعی خلاصه می‌شود؟ انتظار که وظیفه شیعیان در زمان غیبت است به چه معنا است؛ آیا با مفهوم تقیه پیوند خورده و صبر استراتژیک است یا با مفهوم ظهور مرتبط است و گویای لزوم آمادگی و زمینه سازی برای ظهور است؟ این نکات درباره دیگر مولفه‌های اندیشه مهدویت نیز مصداق خواهد داشت.

به نظر می‌رسد یکی از حیطه‌هایی که در سده اخیر در حوزه علمیه با گذشته متفاوت است؛ همین تبیین‌ها درباره مولفه‌های آموزه مهدویت است که در این جا تنها به دو مورد بسنده می‌شود:

### ۱-۳. انتظار

«انتظار» مصدر باب افتعال است که بر اساس گزارش لغویان، با ثلاثی مجرد هم معنا است (ابن سیده، ۱۴۲۱: ج ۱۰، ص ۱۵ و ابن منظور، ۱۴۱۴: ج ۵، ص ۲۱۸). «نظر»، به معنای چشم چرخاندن برای دیدن چیزی است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ص ۸۱۲). به گزارش ابوهلال عسکری، انتظار معنای وسیعی دارد که در خیر و شر به کار می‌رود و تفاوت نمی‌کند که امر مورد انتظار یقینی باشد یا مشکوک (عسکری، ۱۴۰۰: ص ۶۶).

«انتظار»، کلیدی‌ترین آموزه مهدویت برای زمان غیبت است. در روایات متعددی انتظار به عنوان وظیفه شیعیان در زمان غیبت شمرده شده و از آن، به «افضل الاعمال» تعبیر شده است (ابن بابویه، ۱۳۶۲: ج ۲، ص ۶۲۱ و خزاز رازی، ۱۳۶۰: ص ۲۸۱).

در برخی روایات انتظار در کنار واژگانی سلبی چون صمت و صبر به کار رفته است (مفید، ۱۳۷۲: ج ۱، ص ۳۰۲ و نعمانی، بی تا: ص ۱۹۹) و در برخی روایات در کنار واژگانی ایجابی چون «وليعمل بالورع» (نعمانی، بی تا: ص ۲۰۰) و نیز این که آموزه انتظار از کدام دسته است: آیا به نوعی وظیفه سلبی ناظر است که شیعه باید در لباس تقیه همه ناملايمات زمان غیبت را ببیند و دم بر نزند و منتظر آمدن حضرت مهدی باشد تا ظلم را ریشه کن کند و بساط عدل را بگستراند؛ یا وظیفه ای ایجابی و محرک است تا شیعه در زمان غیبت همیشه متوجه حکومت عدل گستر حضرت باشد و زندگی و منش خویش را با آن وفق دهد و در مورد خود تا آن جا که توان دارد؛ عدل و داد برقرار کند.

هر دو تفکر را می توان در پیش از سده اخیر حوزه علمیه مشاهده کرد؛ هرچند ظاهراً رویکرد غالب، همان رویکرد سلبی به انتظار است. نعمانی در الغیبة فصلی را تحت عنوان «ما روي فيما أمر به الشيعة من الصبر و الكف و الانتظار للفرج و ترك الاستعجال بأمر الله و تدبيره» ذکر کرده و ذیل آن هفده روایت عنوان و در پایان، در چند جمله، بر همسویی انتظار و صبر تأکید می کند (نعمانی، بی تا: ص ۱۹۴\_۲۰۱). یکی از واژه های کلیدی در عبارت نعمانی، مذمت «استعجال» است که در صدر و ذیل عبارت او آمده است. استعجال در این جا به معنای عجله کردن برای ظهور مهدی است. نکوهیدن عجله در کنار قرار دادن انتظار در کنار صبر نشان می دهد از نظر نعمانی، در معنای انتظار در عین سلبی بودن، معنای رضایت و تسلیم نسبت به خواست خداوند اشراب شده است و طبیعتاً دست یافتن به چنین انتظاری کار آسانی نیست. این که فرد در بزنگاه سختی ها و ناملايمات، عنان از کف ندهد و همچنان به تقدیر خداوند به امر غیبت رضایت داشته باشد و ذره ای از اعتقاد به وجود «امامی که خواهد آمد» دست بر ندارد، گویای نفوذ ایمان در او است و نمی توان او را به تنبلی و اعوجاج از مسیر حق متهم کرد. واضح است که این معنا برای انتظار ابداً به معنای رضایت به ظلم و جور موجود نیست. آری؛ ممکن است از این نگاه به انتظار، مطلوب نبودن قیام بر حاکمان جور استفاده شود؛ چنان که در ذیل عبارت نعمانی آمده است: «لاتكونوا ممن أردته الهوى و العجلة و مال به الحرص عن الهدى و المحجة البيضاء وفقنا الله و إياكم لما فيه السلامة من الفتنة» (نعمانی، بی تا: ص ۲۰۱). با این حال، نه معنای مذکور از انتظار و نه تعبیر نعمانی صریح در این نتیجه نیستند.



رویگرد نعمانی به روایات انتظار در آثار پس از او نیز دنبال شده است، تا آن جاکه علامه مجلسی با آن که در زمان حکومت صفویه می‌زیسته است، در بحار الانوار، ذیل باب انتظار، ۷۷ روایت گزارش می‌کند (مجلسی، ۱۳۶۵: ج ۵۲، ص ۱۲۲-۱۵۰) و ذیل روایت ۴۹ عبارت نعمانی درباره همسویی انتظار و صبر را ذکر کرده و نقدی بر آن مطرح نمی‌کند (پرهیزکار، ۱۳۸۹: ص ۸۵ و مجلسی، ۱۳۶۵: ج ۵۲، ص ۱۴۰). افزون بر این، در «مرآة العقول» در تبیین آموزه انتظار می‌گوید:

انتظار القائم عَلَيْهِ السَّلَام وَرَجَاءُ التَّوَكُّلِ يتضمن العلم بوجوده و ظهوره و عدم الشك فيه و التسليم لغيبته و الصبر على ما يلقاه من الأذى فيها و التمسك بما في يده من آثارهم و الرجوع إلى رواة أخبارهم بِإِسْنَادِهِ (مجلسی، ۱۳۶۳: ج ۷، ص ۱۱۷).

عبارت مذکور در بحار نیز تکرار شده است (همان، ۱۳۶۵: ج ۶۶، ص ۳). در مقابل، تلقی دیگری از آموزه انتظار وجود داشت که بر اساس آن، انتظار ظهور امام زمان به معنای آمادگی برای ظهور ایشان است. کسی می‌تواند خود را منتظر ظهور حضرتش قلمداد کند که همیشه آماده ظهور آن حضرت باشد. موسوی اصفهانی در «مکیال المکارم» این معنا را برای انتظار مطرح کرده است (حائری قزوینی و اصفهانی، ۱۳۸۷: ج ۲، ص ۲۳۵). تتبع در احوال شیعیان نشان می‌دهد، چنین معنایی میان عوام شیعیان سابقه‌ای طولانی دارد. ابن بطوطه در سفرنامه خود در مورد احوال برخی شیعیان چنین گزارش می‌کند:

در حله در نزدیکی بازار بزرگ شهر، مسجدی قرار دارد ... آن جا را مسجد صاحب الزمان می‌خوانند. شب‌ها پیش از نماز عصر، صد مرد مسلح با شمشیرهای آخته ... اسبی یا استری زین کرده می‌گیرند و به سوی مسجد صاحب الزمان روانه می‌شوند. پیشاپیش این چارپا، طبل و شیپور و بوق زده می‌شود. سایر مردم در طرفین این دسته حرکت می‌کنند و چون به مسجد صاحب الزمان می‌رسند، در برابر در ایستاده و آواز می‌دهند که: بسم‌الله، ای صاحب‌الزمان! بسم‌الله بیرون آی که تباهی روی زمین را فراگرفته و ستم فراوان گشته، وقت آن است که برآیی، تا خدا به وسیله تو حق را از باطل جدا گرداند ... و به همین ترتیب به نواختن بوق و شیپور و طبل ادامه می‌دهند تا نماز مغرب فرارسد ... (ابن بطوطه، بی‌تا: ج ۲، ص ۵۶). همچنین در مورد اهل کاشان نقل است که در قرن پنجم جمعی از علویان هر روز صبحگاهان در انتظار ظهور قائم عَلَيْهِ السَّلَام وَرَجَاءُ التَّوَكُّلِ

بودند. آنان بر اسب سوار می‌شدند سلاح بر می‌گرفتند و از روستاهای خود برای استقبال از امام خارج می‌شدند؛ ولی وقتی از آمدن حضرت ناامید می‌شدند به خانه باز می‌گشتند (پرهیزکار، ۱۳۸۹: ص ۸۶ و یاقوت حموی، بی‌تا: ج ۴، ص ۲۹۶ و ۲۹۷).

عمده آنچه در آموزه مهدویت پیش از سده اخیر درباره انتظار گفته می‌شد، به دو بیان مذکور باز می‌گشت. حتی در سده اخیر این دو نگاه به انتظار همچنان طرفدارانی دارند؛ اما در این سده آموزه انتظار با محوریت اندیشمندانی که به شکلی خروجی حوزه علمیه قم تلقی می‌شدند، تبیین دیگری از انتظار ارائه کردند. انتظار از منظر اینان، نه به معنای صبر استراتژیک و نه به معنای آمادگی برای ظهور است، بلکه به معنای زمینه سازی برای ظهور است. انتظاری که روایات، ما را به آن فرا می‌خوانند، این است که شیعیان همه آنچه می‌توانند انجام دهند تا زمینه ظهور حضرت فراهم شود. به نظر می‌رسد تفاوت این رویکرد با دو رویکرد پیشین در معنای انتظار، آن است که اراده انسانی بر روند ظهور حضرت حجت چه تاثیری دارد. از منظر دو دیدگاه نخست، ظهور خارج از اراده شیعیان است و شیعیان صرفاً نقش تماشاگر را دارند؛ اما در نگرشی که در این سده در حوزه علمیه قم، ترویج شده است، شیعیان اگر وظیفه انتظار را به خوبی انجام دهند، در زمینه سازی برای ظهور حضرت نقش ایفا کرده‌اند و به تعبیری، ظهور حضرت را جلو انداخته‌اند (سوزنجی، ۱۳۸۳: ص ۷۲ و ۷۳). این معنا برای انتظار در بسیاری از آثاری که به حوزه علمیه قم در سده اخیر متعلق است، به وضوح دیده می‌شود. مرحوم امام در این باره می‌گوید:

انتظار فرج، انتظار قدرت اسلام است و ما باید کوشش کنیم تا قدرت اسلام در عالم تحقق پیدا بکند و مقدمات ظهور ان شاءالله تهیه بشود (خمینی، ۱۳۷۸: ج ۸، ص ۴۱۲).

آیت‌الله خامنه‌ای درباره انتظار می‌گوید:

انتظار واقعی مستلزم زمینه‌سازی برای ظهور است. زمینه‌سازی برای ظهور عبارت است از عمل کردن به احکام اسلامی که با حاکمیت اسلام و قرآن حاصل می‌شود (بیانات در دیدار مردم قم، ۱۳۷۰/۱۱/۳۰).

آیت الله جوادی آملی مقدس بودن انتظار را چنین تأکید می‌کند:





انتظار حقیقی زمینه ساز ظهور حضرت ولی عصر است و این انتظار مقدس از جهات مختلفی درخور بررسی است (جوادی آملی، ۱۳۹۹: ص ۱۷۴).

آیت الله خرازی در بدهیه المعارف الالهیه منتظر را چنین معرفی می‌کند:

المنتظر من يصلح نفسه و أصلح الامور، و ينتظر و يتوقع الفرج، فيما لم يقدر على اصلاحه (خرازی، بی تا: ج ۲، ص ۱۶۵).

در کتاب معارف و عقاید که از سوی مرکز مدیریت حوزه به عنوان کتاب درسی حوزه علمیه قم معرفی شده، انتظار چنین تبیین شده است:

«انتظار تنها یک حالت روحی و درونی نیست، بلکه از درون به بیرون سرایت می‌کند و حرکت و اقدام می‌آفریند» در ادامه انتظار به عنوان عامل پویایی و سازندگی فرد و اجتماع دانسته شده است: «انتظار انسان را برای رسیدن به آینده مطلوب به حرکت وا می‌دارد».

گفتنی است انتظار به معنای زمینه سازی برای ظهور را می‌توان در آثار پیش از سده اخیر در حوزه علمیه قم نیز مشاهده کرد؛ ولی استقرار آن به عنوان معنایی که مقبولیت جدی میان اندیشمندان و نفوذ میان عوام داشته باشد، در این سده اخیر با تلاش اندیشمندان حوزه علمیه قم رخ داد. افزون بر این، حوزه علمیه قم با تلاش همه جانبه در حمایت از انقلاب ایران، زمینه سازی برای ظهور را عملی کرد و به تعبیر برخی از عالمان، تلاش کرد تا جلوه‌ای از حکومت مهدوی صورت پذیرد (جوادی آملی، ۱۳۹۹: ص ۱۵۸). از سوی دیگر، در پژوهش‌های پرشماری که در حوزه علمیه قم درباره آموزه انتظار در این سده انجام گرفته، بر می‌آید که انتظار به معنای زمینه سازی برای ظهور، در دیگر ابعاد مهدویت دنبال شده و کارکردهای این تبیین از انتظار ارائه شده است.

### ۳-۲. نیابت عامه

یکی از مباحثی که ابتدای غیبت حضرت مهدی دغدغه شیعیان مطرح شد، آن بود که در زمان غیبت باید به کسی رجوع کرد چه کسی خلأ حضور امام و شئون ایشان را تامین می‌کند. امامان شیعه که چنین وضعیتی را پیش‌بینی می‌کردند، به طرق مختلف، شیعیان را به فقها (روایان احادیث) ارجاع دادند. البته در زمان غیبت صغرا؛ از آن جا که نوابی توسط امام مشخص

شده بودند و مردم از طریق آن‌ها با امام ارتباط می‌گرفتند، وضعیت آنچنان پیچیده نبود؛ اما پس از پایان نیابت چهارمین نائب در غیبت صغرا و توقیعی که از ناحیه مقدسه صادر شد و شروع غیبت کبرا (طوسی، بی‌تا: ص ۳۹۵)؛ خلأ ارتباط با امام پیش از پیش احساس شد. به تحلیل برخی پژوهشگران، همین امر سبب شده است که بحث غیبت و دسترسی نداشتن به امام، مهم‌ترین دغدغه مهدویت پژوهان در نخستین کتاب‌های مربوط به مهدویت باشد (پرهیزکار، ۱۳۸۹: ص ۷۹ و ۸۰).

در ادامه، با توجه به همان خط سیری که از حضرت حجت در آن توقیع مشخص شده بود؛ روایان احادیث محور مراجعه مردم قرار گرفتند؛ اما این محوریت در زمان غیبت کبرا همیشه به یک شکل نبود و در آن تطور صورت گرفت؛ گاهی از ناحیه خود فقها که شأنی را برای فقیه در زمان غیبت کبرا اثبات می‌کردند (که تا پیش از آن ثابت نشده بود) و گاهی از طرف مردم و حکومت که تا چه حد، جایگاه فقیه را می‌پذیرفتند. یقیناً حکومت‌هایی نظیر آل بویه، مغولان و صفویان بر محوریت فقهای شیعه برای رجوع مردم اثرگذار بودند.

برخی از پژوهشگران معاصر، خط سیر تطور جایگاه فقها در زمان غیبت کبرا را به خوبی جمع بندی کرده‌اند؛ به گزارش آنان، نیابت عام پس از غیبت کبرا شکل گرفت. این نیابت، در ابتدا ساده و در شکل روایت دانی و روایت خوانی به وجود آمد و سپس به اجتهاد رسید که «نیابت علمی» نامیده شد. پس از آن «نیابت مالی» و سپس «نیابت سیاسی» شکل گرفت. نیابت سیاسی که مقدمات تاریخی آن تا پیش از انقلاب اسلامی، به ویژه در عصر صفوی و نهضت مشروطه خواهی به وجود آمده بود؛ با انقلاب اسلامی به تکامل رسید و سبب شد نیابت عام از مرجعیت تقلید به شکل پیچیده‌تر و نزدیک‌تر آن به مفهوم نیابت، یعنی «ولایت فقیه» تغییر یابد و البته «مرجعیت تقلید» نیز در کنار ولایت فقیه در حال استمرار حیات خود است (همان، ص ۲۵۷).

طبق این گزارش که در مصدر مذکور مفصل به آن پرداخته شده است (همان، ص ۹۳\_ ۱۱۵)؛ نیابت عام تا پیش از سده اخیر حوزه علمیه قم، با مرجعیت فقیه در امور فهم می‌شد و همین رویکرد تا میانه قرن حاضر نیز ادامه داشت و شخصیت‌هایی نظیر آیت الله حائری و آیت الله بروجردی، به عنوان مرجعیت شیعه شناخته می‌شدند؛ ولی در ادامه با تلاش‌هایی که حوزه



علمیه قم به پرچمداری امام خمینی صورت داد، این محوریت با عنوان ولایت فقیه تبیین شد و رویکرد حوزه علمیه قم دست کم در حدود پنجاه سال اخیر، تبیین ولایت فقیه و حدود و ثغور آن با توجه به نیازهای حکومت اسلامی است.

شایان توجه است مراد از گزارش مذکور این نیست که نظریه ولایت فقیه پیش از سده مذکور وجود نداشت، بلکه این نظریه دارای پیشینه‌ای طولانی است که نوشته‌های مستقلی به آن پرداخته‌اند؛ حتی تعبیر نیابت عام در آثار محقق کرکی مشاهده می‌شود؛ بلکه مراد این است که جایگاه فقیه به عنوان ولی فقیه در این سده، هم در فضای علمی بازتاب گسترده‌تری یافت و جوانب مختلف آن بررسی و درباره آن نظریه پردازی شد.

#### ۴. تطور غایی مهدویت در سده اخیر<sup>۱</sup>

اندیشه مهدویت آموزه‌ای صرفاً اعتقادی یا آموزه‌ای راهبردی (دکترین مهدویت)، دارای سابقه‌ای طولانی است که پیش از تولد حضرت مهدی نیز وجود داشته است. طرح مباحث مهدویت از دیرباز تا کنون عمدتاً با هدف دفاع از آموزه‌ای اعتقادی بوده است که این هدف، با توجه به چالشی که در مقاطع زمانی برای این آموزه پدید می‌آمد، متفاوت بوده است. گاهی هدف مشخص کردن مهدی بود که با توجه به مدعیان دروغین که به دروغ مهدی را برای خود یا کسی مطرح می‌کردند، ضرورت داشت و گاهی هدف، برطرف کردن چالش غیبت و حیرت شیعه از نبود دسترسی به امام معصوم بوده است که کتب غیبت محصول این دوران است (نوری، ۱۳۸۳: ج ۱، ص ۳۷) و گاهی طول عمر حضرت و اثبات وجودشان در زمان غیبت. همه این‌ها ابعاد یک آموزه اعتقادی است که بسته به مقتضیات زمان، از جهات مختلفی نیازمند بررسی است. با این حال، همه این اغراض از این منظر که درصد پوشش نوعی خلأ اعتقادی هستند، مشترکند که توجه به آثار تدوین شده در این مقاطع دلیل قابل توجهی بر ادعای مزبور است.

بررسی آثار مربوط به اندیشه مهدویت، در ابتدای این سده بیانگر همان فضای پیش از این



۱. «تطور غایی» در این جا به این معنا است که هدف از ارائه اندیشه مهدویت از گذشته متفاوت شده است.

سده است؛ مثلاً سید صدرالدین صدر هدف از نگارش کتاب «المهدی» را مقابله با انحرافات در عقیده مهدویت دانسته است (صدرالدین صدر، بی تا: ص ۲۴). شبیه همین انگیزه را محمد کاظم قزوینی در «الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف من المهدی الی الظهور» ذکر کرده است (قزوینی، بی تا: ص ۵ \_ ۱۶). از اواسط این سده با آغاز حرکتی توسط امام خمینی، جنبش‌های آزادی خواهانه در خاورمیانه و مشخصاً در ایران به اوج رسید. اندیشه مهدویت برای دمیدن در حرکت انقلابی مردم، بستر کاملاً مناسبی بود و لذا در این زمان آثاری مشاهده می‌شوند که در آن‌ها، هدف، صرفاً دفاع از آموزه اعتقادی مهدویت نیست، بلکه هدف از ترویج آموزه مهدویت، امید بخشی به مردم و زمینه سازی برای ظهور است. به این عبارت شهید مطهری توجه کنید:

استنباط این شخصیت‌ها از مجموع آیات و اخبار و احادیث مهدی این نبوده که جناح حق و عدل و ایمان باید یکسره درهم بشکند و نابود شود و اثری از صالحان و متقیان باقی نماند تا دولت مهدی ظاهر شود؛ بلکه آن را به صورت پیروزی جناح صلاح و عدل و تقوا بر جناح فساد و ظلم و بی بند و باری تلقی می‌کرده‌اند (مطهری، ۱۳۷۶: ج ۲۴، ص ۴۴۰).

کتاب «انتظار عامل مقاومت و حرکت» در نیمه همین سده نگاشته شده است که به وضوح تلاش دارد تقریری از اندیشه مهدویت ارائه کند که هدف مقاومت و حرکت را پوشش بدهد (صافی گلپایگانی، ۱۳۶۵). البته این تغییر نگرش در هدف اندیشه مهدویت به حوزه علمیه قم اختصاص ندارد. کتاب «حسین وارث آدم» که در آن از نظریه انتظار مکتب اعتراض سخن گفته شده است و همچنین «بحث حول المهدی»، اثر شهید صدر همین هدف را از آموزه مهدویت دنبال می‌کنند (شریعتی، بی تا: ص ۲۹۵ به بعد و صدر، بی تا: ص ۴۴ و ۴۵).

بنابراین، می‌توان ادعا کرد در سده اخیر، حوزه علمیه قم و خصوصاً پس از انقلاب اسلامی طرح مباحث مربوط به حضرت مهدی، صرفاً برای دفاع از آموزه‌ای اعتقادی نبود؛ بلکه اندیشه مهدویت به مثابه اندیشه‌ای راهبردی که می‌تواند در ابعاد مختلف زندگی شیعیان در زمان غیبت نقش بسزایی داشته باشد؛ مطرح است. بسیاری از تطوراتی که تا این جای نوشتار آمده است، نشانه قابل توجهی برای این تطور غایی است.

البته به نظر می‌رسد پس از انقلاب اسلامی ایران، هدف از اندیشه مهدویت مجدداً ارتقا یافت.



مطرح شدن اصطلاح «دکترین مهدویت» (استراتژی مهدویت) به جای آموزه اعتقادی مهدویت در دو دهه اخیر را باید از همین منظر ارزیابی کرد. دکترین مهدویت در دیدگاهی کلی، به معنای توجه به ظرفیت‌های اندیشه مهدویت نزد امامیه برای نظریه‌پردازی و ارائه پاسخ‌های کاربردی در سایر علوم انسانی است. در این نظریه‌پردازی‌ها، گاه دکترین مهدویت، همان پاسخ به مسئله‌ای علمی است و گاه دکترین مهدویت مبنای پاسخ به یک مسئله است (موسوی‌گیلانی، ۱۳۸۵: ص ۸). برای مثال در بسیاری از مسائل علمی ذیل عنوان آینده‌پژوهی دکترین مهدویت به عنوان پاسخ مطرح می‌شود؛ اما در بسیاری از مسائل علمی، مثلاً علوم اجتماعی، دکترین مهدویت مبنای پاسخ است. به تعبیر برخی محققان:

از این مولفه دینی می‌توان به عنوان یک نظریه اعتقادی استفاده نمود که قابلیت تفسیر حوزه‌های متفاوت حیات فردی و جمعی همچون سیاست، حکومت، اقتصاد، مدیریت، انسان‌شناسی، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و امثال آن را داراست؛ به طوری که می‌توان نظریه‌ها و الگوهای متفاوتی را در این ساحت‌ها براساس فرهنگ مهدویت ارائه داد (موسوی‌گیلانی، بی‌تا: ص ۶۲).

نکته دیگری که تحت عنوان دکترین مهدویت مطرح شده است، نظریه «جهانی شدن» است، این نظریه را اندیشمندان علوم سیاسی و علوم اجتماعی با توجه شرایط عصر کنونی و گسترش فناوری اطلاعات و رسانه‌های ارتباطی مطرح کرده‌اند. اگرچه ممکن است گفته شود که نظریه جهانی شدن به لحاظ نظری و مبانی آن با اندیشه مهدویت در تباین است؛ یقیناً ابزار و تکنولوژی ارتباطات در عصر کنونی، می‌تواند راهگشای تبلیغ و گسترش دکترین مهدویت در سطح جهانی باشد (عرفانی، ۱۳۸۶: ص ۲۱۷). با توجه به سیاست‌ها، نقشه مهندسی فرهنگی و این که حوزه علمیه قم خود را عهده دار گسترش و ترویج این سیاست‌ها با توجه به مبانی دینی می‌داند؛ در دو دهه اخیر شاهد تحول در نحوه تبلیغ اندیشه مهدویت هستیم که به این مطلب در بخش بعد پرداخته می‌شود.



## ۵. تطور ارائه‌ای<sup>۱</sup>: سیری معنادار در تبلیغ مهدویت

پیش از اشاره به تلاش‌های حوزه علمیه قم در ارائه اندیشه مهدویت، لازم است ارتباط تطور در ارائه آموزه مهدویت و تطور در اندیشه مهدویت بیان شود.

شواهد حکایت از آن دارند که در سده اخیر، خصوصاً در ربع پایانی آن، در زمینه تبلیغ آموزه مهدویت از سوی حوزه علمیه قم تحول گسترده‌ای رخ داده است. منظور از تبلیغ در این جا معنای متعارف آن، یعنی اعزام مبلغ به نقاط مختلف ایران و جهان برای تبیین آموزه مهدویت نیست؛ هرچند این امر نیز به صورت گسترده در بستر حوزه علمیه قم صورت گرفته است، بلکه مراد از تبلیغ، معنای عام آن است که ارائه اندیشه به مخاطب در هر قالبی را در بر می‌گیرد.

مقدمتاً باید توجه داشت که ارائه هر اندیشه‌ای متفرع بر اصل اندیشه است؛ زیرا اندیشه، محتوایی است که ممکن است اصلاً ارائه نشود و در صورت ارائه، بسته به محتوا، شیوه‌های مختلفی برای ارائه آن وجود دارد. بنابراین، تطور در ارائه، الزاماً به تطور در اندیشه مربوط نمی‌شود. این مطلب در آموزه‌های اعتقادی وضوح بیش‌تری دارد؛ زیرا ممکن است آموزه اعتقادی در زمانی بسته به مقتضیات آن زمان، نشر و تبلیغ نشود و در زمان دیگری با وضعیت متفاوت همان آموزه به شدت تبلیغ و نشر داده شود، بی آن‌که در آن آموزه تطوری ایجاد شده باشد. با این حال، باید توجه داشت تطور در ارائه، همان‌طور که می‌تواند معلول اوضاع زمان باشد؛ ممکن است به دلیل تطور در محتوای ارائه شده باشد.

درباره ارائه آموزه مهدویت در سده اخیر حوزه علمیه قم، سیر جالب توجهی به چشم می‌خورد. پیش از انقلاب اسلامی فعالیت‌هایی که برای ارائه آموزه مهدویت دنبال می‌شد، به نوشتن برخی کتاب‌ها و مقالات محدود بود. کتاب «المهدی» از اولین کتاب‌های این سده در موضوع مهدویت است که توسط سید صدرالدین صدر (متوفای ۱۳۷۲ق) از شخصیت‌های برجسته حوزه علمیه قم، در سال ۱۳۵۸ هجری نگاشته شده است. آیت‌الله صافی نیز از دیگر شخصیت‌های برجسته حوزی است که برخی از آثار خود را پیش از انقلاب نگاشته است؛ نظیر کتاب «انتظار عامل مقاومت» (پور طباطبایی، بی‌تا: ص ۱۶۰). جلد بیست و چهارم مجموعه آثار

۱. «تطور ارائه‌ای» به تغییری که در تبلیغ آموزه مهدویت صورت گرفته است، اشاره دارد.



استاد مرتضی مطهری را از دیگر نوشته‌های مهدوی می‌توان شمرد که خروجی حوزه علمیه قم به شمار می‌رود. همچنین برگزاری مراسم مرتبط به حضرت مهدی در جشن‌های موسوم به نیمه شعبان از دیگر موارد مربوط به این موضوع است. البته در این بین با تشکیل انجمن حجتیه که پیدایش آن را نمی‌توان به حوزه علمیه قم نسبت داد (هرچند در ادامه کارشان در حوزه علمیه قم نیز نفوذ پیدا کردند)، فعالیت‌هایی که برای تبلیغ مهدویت صورت می‌گرفت، تشدید شد (صدقی، ۱۳۸۸: ص ۱۳۲\_۱۳۷). پس از انقلاب اسلامی که یقیناً آموزه مهدویت بر شکل‌گیری آن تاثیر داشت (شجاعی مهر و لک‌زایی، ۱۳۹۷: ص ۲۵۸ و ۲۶۹ و محسن شریعتی، ۱۳۹۸: ص ۶)؛ فعالیت‌ها در مورد تبلیغ مهدویت با قبل از انقلاب تفاوت شگرفی پیدا نکرد. البته انجمن حجتیه دستخوش تغییراتی شد که طبیعتاً بر فعالیت‌هایشان بی‌تاثیر نبود تا این که امام خمینی در یکی از سخنرانی‌ها بدون آن که اسمی از انجمن حجتیه ببرد، در برابر برخی رویکردها که به این انجمن نسبت داده می‌شد، موضع گرفت (خمینی، ۱۳۷۸: ج ۱۷، ص ۵۴۳) و همین امر سبب شد که حلبی رئیس انجمن، انجمن را منحل و تمام فعالیت‌های انجمن را تعطیل کند (صدقی، ۱۳۸۸: ص ۱۵۱\_۱۵۴). از سال ۱۳۶۲ تا سال ۱۳۷۴، به تعبیر برخی تحلیلگران دوره سکوت درباره آموزه مهدویت در ایران یاد می‌شود (پرهیزکار، ۱۳۸۹: ص ۱۷۷ تا ۱۸۱ و ۱۹۸ و ۱۹۹). البته منظور از دوره سکوت، عدم تحقیق و پژوهش درباره مهدویت نیست؛ چرا که بزرگانی در همین بازه زمانی به نوشتن کتاب‌ها و مقالاتی در باره حضرت مهدی عجل‌الله تعالی فرجه الشریف همت گماردند؛ به عنوان نمونه می‌توان به برخی آثار آیت الله صافی و برخی آثار استاد نجم الدین طبری اشاره کرد؛ ولی از میانه دهه هفتاد به بعد، با تاسیس برخی مراکزی که مستقلاً به تبلیغ مهدویت می‌پرداختند، ارائه آموزه مهدویت وارد مرحله جدیدی شد و در حدود ۲۵ سالی که از آن زمان می‌گذرد، رشدی انفجارگونه در ارائه آموزه مهدویت در ایران، خصوصاً در حوزه علمیه قم صورت گرفته است.

برای تحلیل این تطور، توجه به ارتباط سه جانبه حوزه علمیه قم، انقلاب اسلامی و مهدویت ضرورت دارد. در کنار عوامل دیگر، عواملی مانند طرح شبهات جدید در زمینه مهدویت آرای مستشرقان درباره مهدویت، رشد فزاینده اقبال مردم به مسجد جمکران (به عنوان پایگاهی عبادی مهدوی در قم)، تاثیر مهدویت بر حدوث انقلاب اسلامی و مهم‌تر از آن، نیاز انقلاب

اسلامی به مهدویت برای بقای خود؛ اساسی‌ترین دلیل برای رشد ارائه آموزه مهدویت در فضای عمومی و بین‌المللی است (پرهیزکار، ۱۳۸۹: ص ۱۷۵ تا ۲۰۰ و موسسه آینده روشن، بی‌تا: ص ۱۵ تا ۱۷). بنابراین، با تحقق انقلاب اسلامی، مقتضی برای ارائه مهدویت فراهم بوده است؛ لیکن مانعی در میان بوده که مقتضی به‌طور بایسته، عمل نکرده است. به تحلیل برخی پژوهشگران (غلامرضا پرهیزکار) این مانع برجسب انجمن حجتیه‌ای بودن است که پس از تعطیلی آن انجمن، هر کس که می‌خواست در بحث مهدویت متمرکز بشود، متهم می‌شد که قرار است همان روند انجمن حجتیه پیش رود و این نگرانی تا مدت‌ها فعالیت متمرکز درباره مهدویت را با محدودیت مواجه کرده بود (همان، ص ۱۷۷-۱۸۱)؛ ولی با گذشت زمان و پیشگامی برخی مهدویت‌پژوهان که این تهمت‌ها را به جان خریدند و نشان دادند که می‌توان درباره مهدویت، موسسه و مرکز تشکیل داد (همان، ص ۱۹۸ و ۱۹۹)؛ ولی خوانشی از مهدویت ارائه کرد که با نیازهای انقلاب اسلامی همراستا باشد و با برخی قرائت‌ها که به انجمن حجتیه نسبت داده می‌شود، هیچ‌گونه شباهتی نداشته باشد. بنابراین، با کنار رفتن مانع مذکور، مقتضی نشر آموزه مهدویت اثر خود را به بهترین شکل گذاشت و تجربه‌ای بی‌نظیر در ارائه آموزه مهدویت در تاریخ تشیع رقم زد.

از این‌جا است که می‌توان حدس زد تطور در ارائه مهدویت، هم از وضعیت عصر متأثر است و هم به خوانشی که از مهدویت در حوزه علمیه قم مطرح است؛ ارتباط دارد. روشن است اگر حوزه علمیه قم قرائتی از مهدویت داشت که با انقلاب اسلامی و حکمرانی در عصر غیبت سنخیتی نداشت، نمی‌توانست چنین در عرصه ارائه مهدویت پویا و فعال باشد. به هر رو، در این بازه بیست‌ساله، فعالیت‌های بسیاری در ارائه آموزه مهدویت در حوزه علمیه قم صورت گرفته است که گزارش آن، نوشتار مستقلی می‌خواهد؛ با این حال به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

الف) موسسات و مراکز مهدوی که ذیل حوزه علمیه قم فعالیت می‌کنند؛ مثل مرکز تخصصی مهدویت و موسسه آینده روشن؛

ب) تالیف کتاب‌های متعدد و متنوع متناسب با ذائقه هر مخاطب؛

ج) چاپ و نشر مجلاتی که به مقالات مرتبط با مهدویت می‌پردازند؛ مثل مشرق موعود،





پژوهش‌های مهدوی، جامعه مهدویت، پژوهش‌نامه مهدویت و انتظار موعود؛  
د) کارهایی که برای ارائه مهدویت به نوجوانان و کودکان صورت گرفته است؛ مثل ماهنامه  
انتظار نوجوان برای قشر نوجوان و مجله ملیکا و سایت دردانه برای قشر کودک؛  
ه) برگزاری همایش‌های گوناگون با موضوع مهدویت، خصوصاً همایش دکترین مهدویت و  
همایش‌های پژوهشکده مهدویت و آینده پژوهی که تا کنون هفده بار برگزار شده و هجدهمین  
آن در شرف برگزاری است.



## نتیجه‌گیری

مباحث مطرح شده در حوزه علمیه قم، عمده معارف اهل بیت را در برمی‌گیرد؛ تقریباً در هر بحثی که تمرکز شود، می‌توان تاثیر حوزه علمیه را بر آن بحث مشاهده کرد. اندیشه مهدویت یکی از این آموزه‌ها است که هر کس اندک توجهی به رهاوردهای حوزه علمیه قم در این زمینه داشته باشد و آثار پیشا سده اخیر را با آثاری که خصوصاً در انتهای این سده توسط اندیشمندان حوزه علمیه قم نگارش شده است، مقایسه‌ای نه چندان تفصیلی هم بکند؛ تغییراتی را که در مباحث مربوط به حضرت مهدی است، مشاهده می‌کند که در این نوشتار از پنج نوع تغییر و تطور در اندیشه مهدویت صحبت شد: تطور روشی، تطور دامنه‌ای، تطور تبیینی، تطور غایی و تطور ارائه‌ای. از این میان دو تطور دامنه‌ای و ارائه‌ای، الزاماً بیش از آن که تطوری در اندیشه مهدویت باشند؛ کاشف از تطور در اندیشه مهدویت هستند.

به تعبیر دیگر، برای فهم تطور اندیشه مهدویت در سده اخیر، در کنار توجه به مقتضیات عصر فعلی، ارتباطات گسترده بین المللی و شبهات جدید در مورد مهدویت، توجه به پیوند مهدویت، انقلاب اسلامی و حوزه علمیه قم، در فهم تطور صورت گرفته در اندیشه مهدویت، دارای نقش کلیدی است. از کنار هم گذاشتن مجموع قراین و شواهد، چنین به دست می‌آید که آموزه مهدویت در سده اخیر از آموزه‌ای صرفاً اعتقادی که در پیش از این سده و تاحدودی در بخشی از این سده بر آن تأکید می‌شد؛ به اندیشه‌ای راهبردی که می‌توان جنبه‌های مختلف زندگی را پوشش دهد، تبدیل شده است. تطوراتی را که در این نوشتار ذکر شد، باید ذیل همین نکته اساسی فهم کرد.



## منابع

۱. آل بویه، علیرضا (تابستان ۱۴۰۱). *وضعیت فلسفه اخلاق در حوزه علمیه در سده اخیر*، نقد و نظر، شماره ۱۰۶.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۶۲). *الخصال*، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۳. ابن بطوطه، محمد بن عبد الله (بی تا). *تحفة النظار فی غرائب الأمصار و عجائب الأسفار*، رباط، مطبوعات أكاديمية المملكة المغربية.
۴. ابن سیده المرسی، علی (۱۴۲۱ق). *المحکم و المحيط الأعظم*، بیروت، دار الکتب العلمیة.
۵. ابن فارس، احمد بن فارس (۱۴۰۴ق). *معجم مقاییس اللغة*، قم، مکتب الإعلام الإسلامی.
۶. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق). *لسان العرب*، بیروت، دار الفکر.
۷. احمد مختار، عمر (۱۴۲۹ق). *معجم اللغة العربية المعاصرة*، بی جا، عالم الکتب.
۸. اسفندیاری، مصطفی (بی تا). *حجت موجه*، بی جا، انتشارات بصیرت.
۹. الهی نژاد، حسین (پاییز ۱۳۹۷). «*تحلیل روش شناسی عقلی مهدویت پژوهی*»، انتظار موعود، شماره ۶۲.
۱۰. بروجردی، حسین (بی تا). *نهایة الأصول*، تهران، نشر تفکر.
۱۱. بستانی، فواد افرام (۱۳۷۵). *فرهنگ ابجدی الفبایی عربی - فارسی*، ترجمه کامل المنجد الابدی، تهران، اسلامی.
۱۲. پرهیزکار، غلامرضا (۱۳۸۹). *انقلاب اسلامی و رشد مهدویت در ایران*، قم، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۱۳. پور طباطبایی، مجید (بی تا). *در جستجوی قائم* عجل الله تعالی فرجه الشریح، قم، مسجد مقدس جمکران.
۱۴. تاجری نسب، غلامحسین (بی تا). *فرجام شناسی حیات انسان*، تهران، مرکز فرهنگی انتشاراتی منیر.
۱۵. تفتازانی، مسعود بن عمر (۱۴۱۲ق). *الحاشیة علی تهذیب المنطق للتفتازانی* مصحح: عبد الله بن حسین یزدی، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۶. جمعی از نویسندگان (۱۳۸۱). *امامت پژوهی* (بررسی دیدگاههای امامیه، معتزله و اشاعره)، مشهد، دانشگاه علوم اسلامی رضوی مشهد.



۱۷. جمعی از نویسندگان (بی تا). **فی رحاب اهل البيت** عليه السلام، قم، المجمع العالمي لاهل البيت عليه السلام.
۱۸. جوادی آملی، عبد الله (۱۳۹۹). **امام مهدی موجود موعود**، قم، اسراء.
- حائری، عبد الکریم (بی تا). **درر الفوائد** (حائری یزدی، عبدالکریم - طبع قدیم)، قم، مطبعة مهر.
۱۹. حائری قزوینی، مهدی و اصفهانی، محمدتقی (۱۳۸۷). **مکیال المکارم**، قم، مسجد مقدس جمکران.
۲۰. حمصی رازی، محمود بن علی (بی تا). **المنقذ من التقليد**، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲۱. خرازی، محسن (بی تا). **بدايه المعارف الالهيه فی شرح عقاید الاماميه**، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲۲. خزاز رازی، علی بن محمد (۱۳۶۰). **کفایة الأثر فی النص علی الأئمة الإثنی عشر**، قم، بیدار.
۲۳. خمینی، روح الله (۱۳۷۸). **صحیفه امام**، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۲۴. راغب اصفهانی، حسین (۱۴۱۲ق). **مفردات ألفاظ القرآن**، بیروت، دار الشامیه.
۲۵. سلیمیان ریزی، خدامراد (بی تا). **فرهنگ نامه مهدویت**، قم، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عليه السلام و وجّه الشرف.
۲۶. سند، محمد (بی تا). **دعوی السفارة فی الغیبه الكبرى** (مرکز الدراسات التخصصیه فی الإمام المهدی عليه السلام و وجّه الشرف)، بی جا، بقیة العترة.
۲۷. سوزنجی، حسین (پاییز ۱۳۸۳). **مهدویت و انتظار در اندیشه شهید مطهری**، قسبات، شماره ۳۳.
۲۸. شجاعی مهر، رضا و لک زایی، نجف (پاییز ۱۳۹۷). **کار بست آموزه مهدویت در سپهر سیاسی انقلاب اسلامی ایران**، مشرق موعود، شماره ۴۷.
۲۹. شریعتی، علی (بی تا). **حسین وارث آدم**، تهران، بنیاد فرهنگی دکتر علی شریعتی.
۳۰. شریعتی، محسن (پاییز زمستان ۱۳۹۸). «**نقش باورداشت مهدویت در شکل گیری انقلاب اسلامی ایران**»، پژوهشنامه موعود، شماره ۲.
۳۱. شفیعی سروستانی، اسماعیل (بی تا). **درآمدی بر استراتژی انتظار**، تهران، موعود عصر عليه السلام و وجّه الشرف.
۳۲. صاحب بن عباد، اسماعیل (۱۴۱۴ق). **المحیط فی اللغة**، بیروت، عالم الکتب.
۳۳. صافی گلپایگانی، لطف الله (۱۳۶۵). **انتظار عامل مقاومت و حرکت**، تهران، بنیاد بعثت.



۳۴. \_\_\_\_\_ (بی تا). **گفتمان مهدویت**، (موسسه فرهنگی انتظار نور)، قم،

بوستان کتاب.

۳۵. صدر، صدرالدین (بی تا). **المهدی** عجل الله تعالی فرجه الشریف، قم، بوستان کتاب.

۳۶. صدر، محمد باقر (بی تا). **بحث حول المهدی** عجل الله تعالی فرجه الشریف، قم، مرکز الغدير للدراسات الإسلامية.

۳۷. صدقی، ابوالفضل (۱۳۸۸). **جریان شناسی انجمن حجتیه**. پانزده خرداد، شماره ۲۰.

۳۸. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۸). **شیعه در اسلام**، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

۳۹. طوسی، محمد بن حسن (بی تا). **الغیبة**، قم، مؤسسة المعارف الإسلامية.

۴۰. عرفانی، محمدقاسم (۱۳۸۶). **جهانی شدن و دکترین مهدویت**، همایش بین المللی دکترین

مهدویت، دوره ۳.

۴۱. عسکری، حسن بن عبدالله (۱۴۰۰). **الفروق فی اللغة**، بیروت، دار الآفاق الجديدة.

۴۲. غلابینی، مصطفی بن محمد (۱۴۱۴ق). **جامع الدروس العربية**، بیروت، المكتبة العصرية.

۴۳. قزوینی، محمدکاظم، (۱۴۲۷ق). **الإمام المهدی** عجل الله تعالی فرجه الشریف **من المهد إلى الظهور**، قم، فاجی

الجزائری.

۴۴. گودرزی، مجتبی (۱۳۹۶). **بررسی تحول و تطور مطالعات مهدوی**، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.

۴۵. لاهیجی، عبد الرزاق بن علی (۱۳۸۳). **گوهر مراد**، تهران، نشر سایه.

۴۶. مجلسی، محمدباقر (۱۳۶۵). **بحار الأنوار**، بیروت، دار إحياء التراث العربی.

۴۷. \_\_\_\_\_ (۱۳۶۳). **مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول**، تهران، دار الکتب

الإسلامية.

۴۸. مجمع اللغة العربية بالقاهرة (بی تا). **المعجم الوسيط**، بیروت، دار الدعوة.

۴۹. محمد رضایی، محمد (۱۳۹۰). **کلام جدید با رویکرد تطبیقی**، قم، دفتر نشر معارف.

۵۰. محمدی اشتهاردی، محمد (بی تا). **حضرت مهدی** عجل الله تعالی فرجه الشریف **فروغ تابان ولایت**، قم، مسجد مقدس

جمکران.

۵۱. مطهری، مرتضی (۱۳۷۶). **مجموعه آثار**، تهران، صدرا.

۵۲. مفید، محمد بن محمد (۱۳۷۲). **الإرشاد**، قم، المؤتمر العالمي لألفية الشيخ المفيد.

۵۳. \_\_\_\_\_ (بی تا). **اوائل المقالات**، قم، المؤتمر العالمي لألفية الشيخ المفيد.

۵۴. مهدی پور، علی اکبر (بی تا). **پژوهه مهدوی**، قم، رسالت.

۵۵. موسسه آینده روشن (بی تا). **مهدویت**، قم، مؤسسه آینده روشن.

۵۶. موسوی گیلانی، رضی (بی تا). **دکترین مهدویت**، تهران، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی

موعود عجل الله تعالی فرجه الشريف.

۵۷. \_\_\_\_\_ (۱۳۸۵). **دکترین مهدویت؛ نظریه پردازی براساس فرهنگ مهدوی**، قم،

همایش بین المللی دکترین مهدویت، دوره ۲.

۵۸. نصیر الدین طوسی، محمد بن محمد (بی تا). **تجربید الاعتقاد**، تهران، مرکز النشر التابع لمكتب

الإعلام الإسلامی.

۵۹. نعمانی، محمد بن ابراهیم (بی تا). **الغیبه**، تهران، مكتبة الصدوق.

۶۰. نوری، حسین بن محمدتقی (۱۳۸۳). **نجم الثاقب**، قم، مسجد مقدس جمکران.

۶۱. یاقوت حموی، یاقوت بن عبد الله (بی تا). **معجم البلدان**، بیروت، دار صادر.

